

افغانستان و جایگاه حقوقی و اجتماعی زنان

سرمقاله

با حقوق زنان نباید پروژۀ ای بر خورد شود

حفیظ الله زکی

با گذشت یک دهه از استقرار نظام جدید سیاسی و حضور جامعه جهانی، باورمندی و امیدواری ها نسبت به پایدار ماندن پیشرفت‌های تحقق یافته روزبروز کم رنگ‌تر می شود. از مجموع نگرانی‌های موجود در کشور، نگرانی در مورد وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان موجود بیش از همه آشکار می‌باشد. هرچند وضعیت کلی زنان در کشور از لحاظ حقوق سیاسی و اجتماعی و به معنای کلی تر وضعیت حقوق بشری آنان در طول تاریخ کشور قابل قبول نبوده و با ستم‌ها و خشونت‌های تکان دهنده و فاجعه بار همراه بوده است، ولی طی یک دهه گذشته زیربناهایی یک تغییر بنیادینی گذاشته شده بود که راه را برای بهبود بخشیدن به وضعیت زنان و دست یابی آنان به حقوق شهروندی شان هموار می گردید. اما نگرانی‌های موجود آمده این احتمال را قوت می بخشد که همین اندک دست آوردهای چندسال گذشته که بسیار شکننده و آسیب پذیر هم می باشند، وضعیت زنان کشور را بیش از گذشته دچار بحران و فاجعه گرداند. طرح دیدگاه‌های زن ستیزانه و حمایت و تقویت آن از سوی برخی از مراجع رسمی و غیررسمی کشور و محدود شدن بیش از پیش فعالیت‌های زنان در عرصه‌های مختلف از جمله مخالفت با تصویب «قانون معو خشونت علیه زنان» نشان از آینده ناخوشایند و تاریک درباره سرنوشت زنان کشور دارد. وضعیت زنان در هر موضوع از آنجایی دارای اهمیت می باشد که در دوران معاصر شاخصه‌های گوناگونی درباره سنجش چگونگی وضعیت انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح بین المللی مطرح گردیده است.

برای بیان وضعیت تاسفبار زنان در جامعه و نقض آشکار حقوق آنان می توان به مواردی مشخص اشاره داشت.

ممنونیت از مجازات برای عاملان خشونت و تجاوز به زنان در کشور، یکی از موارد بسیار آشکار نقض حقوق شهروندی و زیرپا نهادن قانون منع خشونت علیه زنان در کشور از سوی خانواده ها، والدین و دستگاه‌های عدلی و قضایی می باشد. با تاسف این نقض قانون و ممنونیت بخشی مرتکبین چنین جرایمی بدل به یک رویه عادی شده است.

ضعف نظام قضایی و پیروی از سنت های قبیله ای و عرف های ناپسند اجتماعی در بسیاری از ولایات و حتا مرکز کشور ؛ روز به روز روند زن ستیزی و نقض حقوق و قوانینی که بر ممنونیت قانونی آنان تاکید دارد ، را تقویت می نماید.

خودکشی گزینۀ ای برای نجات از خشونت پدیده و نمونه ای دیگر است از وضعیت تاسفبار زنان در جامعه و سیستم قضایی و عدلی کشور. متأسفانه شرایط موجود در جامعه و شیوه برخورد حکومت در اجرای قوانین بگونه ای است که خودکشی زنان برای نجات از خشونت، و فرار از خانه برای رفتن به مدرسه، تنها گزینۀ های بشمار می آیند که زنان خواسته یا نخواستۀ به آن روی آورده اند. تهدید، پرخاشگری فیزیکی ، قتل، تعقیب و توهین در خیابانها، تهمت و افترا برای ترور شخصیت زنان در جامعه از موارد دیگری است که هر زن این سرزمین که بخواهد در زندگی اجتماعی سهمی داشته باشد، با آن روبرو می شود.

هرچند طی ده سال گذشته زنان کشور به دور از حاکمیت سیاسی طالبان زندگی نموده و به فعالیت های اجتماعی و سیاسی روی آورده اند ، اما حقیقت آنست که تفکر طالبانی با عنوان گوناگون و از سوی عناصری که پندار طالبانی در ذهن آنان لایه نموده است ، بسنان یک شمشیر آویخته مورد تهدید ، تعقیب ، تهمت، خشونت و نگرانی قرار داشته اند.

آیا با ادامه چنین وضعیتی می توان از جایگاه قابل اعتماد و انسانی زن در ساختار اجتماعی و سیاسی کشور سخن گفت ؟ یا اینکه مقامات حکومتی و عدلی کشور از تجلیل روزجهانی زن و تکریم زن بخود افتخار نمایند؟ بطور قطع راه رسیدن به تأمین حقوق زن و تطبیق قوانینی که متضمن عینیت بخشیدن به ارزشهای انسانی و اسلامی و عدالت باشد راه بسیار طولانی و سختی را پیش روی دارد.

متأسفانه باید اذعان داشت که زنان کشور علاوه بر بدوش کشیدن رنج تاریخی محرومیت از دوران های کهن، در دوران بیش از سه دهه جنگ و خشونت در کشور زمینه بروز و اعمال هر نوع رفتارهای خشونت آمیز در جامعه بر علیه آنان فراهم گردید و جامعه نیز با تأثیر پذیری از شرایط جنگ و خشونت عملا نه تنها در برخورد با همدیگر، بلکه با زنان و همسران خود بیش از پیش خشن ترین رفتارهای ممکن را بروز می دادند.

پرواضح است که وقتی سخن از خشونت در برابر زنان به میان می آید این موضوع محدود در چهارچوب خانه و خانواده نمی شود، بلکه جامعه مردسالار و خشن افغانستان حضور زنان را در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی نیز نمی تواند بپذیرد. دایره این خشونت به اندازه دایره زندگی فردی و جمعی گسترده و عمیق است. با سقوط حاکمیت طالبان و ظهور دوره نوین در تاریخ سیاسی کشور امیدواری ها برای تغییر در وضعیت عمومی و بهبود یافتن آن مخصوص برای جامعه زنان کشور به شدت افزایش یافت. در همین راستا اقدام های هرگند کم یا زیاد برای برطرف ساختن مشکلات زنان در صورت گرفته است که بعنوان یک واقعیت نباید کتمان نمود؛ اما هنوز هم موانع بسیار عمده و زیادی برای بهبود بخشیدن به وضعیت زنان کشور وجود دارد. به همین جهت تلاش های بیشتری به هدف از میان برداشتن این چالش ها و خشونت ها و موانع موجود در برابر زنان افغان نیاز است.اینک این پرسش اساسی مطرح می گردد که ریشه خشونت‌های خانوادگی، ازدواج‌های اجباری ، افسردگی شدید و درکل برخورد غیرانسانی با زنان کشور در کجا قرار دارد؟ در پاسخ باید گفت این پرسش یک تلاش و جستجوی همه جانبه و جدی را می طلبد، هرچند برخی بر مسئله قوت و محرومیت تاکید دارند، بدون شک فقر شدید مالی و نبود امکانات لازم

زندگی در این زمینه بی تأثیر نیست، اما همه قضایا بدینجامده نمی گردد. بلکه نباید از یاد برد که نوع نگاه انسان افغانی و جهان بینی وی به زندگی و به زن نیز مهم است. برخی از رفتارهای غیرانسانی ما به نوع جهان بینی و نگاه ما به زن ارتباط دارد که باید اصلاح گردد. بنابراین این مهم خواهد بود که این مسائل ریشه یابی گردیده و راه حل های مناسب ارائه گردد نه اینکه با بر شعردن مشکلات گمان ببریم که راه حل را بدست آورده و مشکل حل می گردد. به معنای دیگر برشمردن معلول ها مشکل را حل نمی کند مشکل زمانی می تواند حل گردد که به علت ها و عوامل اصلی دست پیدا کنیم و راه حل های عملی و عینی را در پیش بگیریم.

چندی قبل مقامات ایالات متحده امریکا بزرگترین برنامه های توانمندی زنان در تاریخ ایالات متحده دانسته شده است؛ در این برنامه توسعه ای در مجموع ۴۱۶ میلیون به آن اختصاص یافته است که ۲۰۰ میلیون آن، از سوی سایر کمک دهندگان بین المللی برای افغانستان تأمین خواهد شد. برنامه ارتقا توانمندی زنان برای پنج سال تعیین گردیده است و انتظار می رود هفتادو پنج هزار زن افغان که از ۱۸ الی ۳۰ سال عمر دارند، در پنج شهر بزرگ کابل، کندهار، هرات، بلخ و ننگرهار از آن بهره مند شوند. مقام های امریکایی در کشور که در محفل اعلام این برنامه با حضور رئیس جمهور و بانوی اول کشور حضور داشتند اعلام داشتند که اداره توسعه بین‌المللی



تکرید شده است. اکنون که بروی چنین برنامه ای اجماع حاصل شده است باید تاکید دیگری نمود و آن اینکه ایجاد یک سازوکار شفاف برای مصرف پول‌هایی که قرار است از این به بعد برای توانمندسازی زنان کشور به مصرف برسد، بطور قطع و جدی رعایت شود، در غیراین صورت این برنامه موفقیتی را به همراه نخواهد داشت. ایالات متحده امریکا و جامعه بین المللی از طریق حکومت افغانستان، و حکومت نیز با ایجاد اصلاحات بنیادی از طریق وزارت امور زنان خواهند توانست بر کار سازمان‌های غیردولتی و پروژه‌هایی که از طریق اداره بین‌المللی توسعه ایالات متحده تطبیق می‌شود، نظارت جدی داشته باشند. حال دیده شود که آیا این انتظاها و باید ها به منصفه تحقق رونما خواهد شد یا خیر؟ منبع: پایگاه خبری -تحلیلی افغان نیوز

است، چنانچه در سایر عرصه های زندگی نیز این کوتاهی ها وغفلت ها روی داده است. برنامه توانمندسازی زنان کشور، یکی از بزرگترین برنامه های توانمندی زنان در تاریخ ایالات متحده دانسته شده است؛ در این برنامه توسعه ای در مجموع ۴۱۶ میلیون به آن اختصاص یافته است که ۲۰۰ میلیون آن، از سوی سایر کمک دهندگان بین المللی برای افغانستان تأمین خواهد شد. برنامه ارتقا توانمندی زنان برای پنج سال تعیین گردیده است و انتظار می رود هفتادو پنج هزار زن افغان که از ۱۸ الی ۳۰ سال عمر دارند، در پنج شهر بزرگ کابل، کندهار، هرات، بلخ و ننگرهار از آن بهره مند شوند. مقام های امریکایی در کشور که در محفل اعلام این برنامه با حضور رئیس جمهور و بانوی اول کشور حضور داشتند اعلام داشتند که اداره توسعه بین‌المللی

شبح بنیادگرایی

رها

منافع ملی و نظم و ثبات این کشور، رویداد چند روز پیش در فرانسه و ده ها رویداد دهشت ناک دیگر در غرب بیانگر آن است که بنیادگرا ها تنها حوزه فعالیت خود را منحصر به کشور های اسلامی نکرده است بلکه بنیادگرا ها در سراسر کشور ها فعالیت دارد. در کنار این مسئله، رشد اقتصادی و همکاری های منطقه ای و بین المللی

کنش های بنیادگرا ها تنها منحصر و محدود به غرب نیست، بلکه بنیادگرایی پدیده ای است که نظم و ثبات همه کشور ها را تهدید می کند. تا هنوز که قربانی رفتار های بنیادگرا ها کشور های اسلامی بوده است. بنابراین، برای مبارزه در قدم اول خود کشور های اسلامی با این پدیده تعیین نسبت نماید. مدارس دینی که بنیادگرا ها در آن پرورش می یابد در

خطرناک‌ترین روندهای زمانه‌ی ما، از جمله بنیادگرایی مذهبی، است. این شبح ایدئولوژی پنجاهساله‌ی توسعه‌گرایی (Developmentalism) است، و دارد پر و بال می‌گیرد. ویلیام استرلی توسعه‌گرایی را منبع رشد بنیادگرایی مذهبی می‌شمارد. او وجود این می توان با الهام از دو نوشته بالا در مورد بنیادگرایی نیز چنین انگاشت: شبحی در حال تسخیر دنیا است. شبح بنیادگرایی، شیه که از سراسر دنیا به وجود آمده از دل کشور های غربی و از دل شکاف های قدرت های بزرگ سود می برد. این شیه همانند ایدئولوژی های کمونیسم، فاشیسم و سوسیالیسم و نازیسم تشنه خون است. بنیادگرایی در هین اتحاد غرب در مبارزه با آن خونخوار تر شده است و بیش از یک دهه است که در سراسر دنیا قلمرو خود را گسترده است و از هر کشوری که بخواهد خون می گیرد.

رویداد که چند روز پیش در فرانسه اتفاق افتاد نشانه گسترش شبه بنیادگرایی است. در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی بنیادگرا ها بر برج های دوقلو در نیورک حمله کردند. نتیجه آن اتحاد غرب در مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی شد. برخاسته از گروه های بنیادگرا اگر چه منحصر به افغانستان بود اما کشور های غربی برنامه های نرم افزاری در کاهش اندیشه های بنیادگرایانه در سراسر کشور های اسلامی روی دست گرفتند. اما با این حال، غرب با این پدیده چندان برخورد جدی نکردند. تلاشی به منظور مهار اندیشه های بنیادگرایانه در کشور های هری صورت نگرفت. همین طور، در مورد دیگر کشور های اسلامی، در پاکستان به صورت نمونه، اندیشه های امام محمد غزالی، ابن تیمه، ابوالعلی مودودی و سید قطب در تمام سطوح جامعه ریشه دوانده است. اندیشه های که منبع بنیادگرایی در تمام کشور های اسلامی است. رشد بنیادگرایی در سراسر کشور های اسلامی و تهدید آزادی بیان در سراسر دنیا نیازمند مبارزه همه جانبه با مسئله بنیادگرایی اسلامی در تمام کشور های اسلامی است. چگونه مبارزه با پدیده بنیادگرایی ممکن است.

اول؛ بنیادگرایی تنها تهدیدی علیه غرب نیست. بنیادگرایی ممکن پدیده باشد که در واکنش با ایدئولوژی های غربی به وجود آمده باشد و یا به قول ویلیام استرلی ممکن منبع بنیادگرایی ایدئولوژی توسعه باشد اما رفتار ها و



منوط به گسترش اندیشه های صلح خواهانه است. به عنوان مثال؛ چین برای نفوذ در بازار اقتصادی افغانستان و پاکستان و استفاده از منابع طبیعی این کشورها نیازمند ایجاد صلح است. غرب زمانی به رشد اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی دست یافت که یک نظم و ثبات در منطقه تحت عنوان غرب شکل گرفت. چین نیز برای رشد اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی خود نیازمند ثبات در منطقه می باشد. همین طور دیگر کشور ها و ابر قدرت ها به خاطر دهکده شدن جهان نیازمند جهان امن برای فعالیت های اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی می باشد. بنابراین، همه کشور های اسلامی باید آگاه گرد که بنیادگرایی به نفع هیچ کس نیست. دوم؛ در قدم دوم مبارزه با بنیادگرایی بدون همکاری کشور های غربی و ابر قدرت ها ممکن نیست. کشور های اسلامی در مبارزه با بنیادگرایی هم نیازمند منابع مالی و تاکتیکی غرب است. جدای از نیازمندی کشور های اسلامی به ابرقدرت ها و کشور های غربی، بنیادگرایی تهدیدی علیه

منوط به گسترش اندیشه های صلح خواهانه است. به عنوان مثال؛ چین برای نفوذ در بازار اقتصادی افغانستان و پاکستان و استفاده از منابع طبیعی این کشورها نیازمند ایجاد صلح است. غرب زمانی به رشد اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی دست یافت که یک نظم و ثبات در منطقه تحت عنوان غرب شکل گرفت. چین نیز برای رشد اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی خود نیازمند ثبات در منطقه می باشد. همین طور دیگر کشور ها و ابر قدرت ها به خاطر دهکده شدن جهان نیازمند جهان امن برای فعالیت های اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی می باشد. بنابراین، همه کشور های اسلامی باید آگاه گرد که بنیادگرایی به نفع هیچ کس نیست. دوم؛ در قدم دوم مبارزه با بنیادگرایی بدون همکاری کشور های غربی و ابر قدرت ها ممکن نیست. کشور های اسلامی در مبارزه با بنیادگرایی هم نیازمند منابع مالی و تاکتیکی غرب است. جدای از نیازمندی کشور های اسلامی به ابرقدرت ها و کشور های غربی، بنیادگرایی تهدیدی علیه

منوط به گسترش اندیشه های صلح خواهانه است. به عنوان مثال؛ چین برای نفوذ در بازار اقتصادی افغانستان و پاکستان و استفاده از منابع طبیعی این کشورها نیازمند ایجاد صلح است. غرب زمانی به رشد اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی دست یافت که یک نظم و ثبات در منطقه تحت عنوان غرب شکل گرفت. چین نیز برای رشد اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی خود نیازمند ثبات در منطقه می باشد. همین طور دیگر کشور ها و ابر قدرت ها به خاطر دهکده شدن جهان نیازمند جهان امن برای فعالیت های اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی می باشد. بنابراین، همه کشور های اسلامی باید آگاه گرد که بنیادگرایی به نفع هیچ کس نیست. دوم؛ در قدم دوم مبارزه با بنیادگرایی بدون همکاری کشور های غربی و ابر قدرت ها ممکن نیست. کشور های اسلامی در مبارزه با بنیادگرایی هم نیازمند منابع مالی و تاکتیکی غرب است. جدای از نیازمندی کشور های اسلامی به ابرقدرت ها و کشور های غربی، بنیادگرایی تهدیدی علیه



روزنامه‌افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

□ صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
□ مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
□ سردبیر : حفیظ الله زکی
□ کارکاتوریست: خالق علی زاده
□ دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
□ مسئول وب سایت: محمد علی یورامی
□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

